

صرافی و صراف‌ها

منتخبی از اسناد حاج رحیم اتحادیه

منصوره اتحادیه، سعید روحی

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: منصوره اتحادیه، ۱۳۱۲	عنوان و نام پدیدآورنده: صرافى و صراف‌ها
مشخصات: تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۵	مشخصات ظاهری: رقعی، ۳۸۴، جدول
وضعیت فهرست نویسی: فیفا	شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۴۱-۰
قیمت:	۲۸۰۰۰ تومان
یادداشت: نمایه.	یادداشت: کتابنامه.
موضوع:	صرافی -- ایران -- تاریخ ۱۳۴۴-۱۳۹۳ ق.
موضوع:	صرافی -- ایران -- تبریز -- ۱۳۴۴-۱۳۹۳ ق.
موضوع:	اقتصاد -- ایران -- تاریخ ۱۳۴۴-۱۳۹۳ ق.
موضوع: اقتصاد -- ایران.	موضوع: صرافی -- ایران.
موضوع: ایران -- تاریخ	قاجاریان ۱۳۴۴-۱۳۹۳ ق.
شناسه افزوده: روحی، سعید، ۱۳۴۶	رده‌بندی کنگره: ۴۳۹۵ ص ۴ الف ۲ / HB۲۰۱
رده‌بندی دیویی: ۳۳۵/۴۱۲	شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۸۹۲۷



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

صرافی و صراف‌ها

منصوره اتحادیه، سعید روحی

ادیت و نظارت بر اجرا:	نشر تاریخ ایران
طرح جلد: فریبا علایی	لیتوگرافی، چاپ، صحافی: التقدير
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۴۱-۰	ISBN: 978-964-6082-41-0
چاپ اول: ۱۳۹۵	تیراژ: ۱۰۰۰
قیمت:	۲۸۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

با یاد و خاطرهٔ برادر
... رحیم اتحادیه

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۷	بخش اول، مقدمه
۳۵	یادداشت‌ها
۴۱	بخش دوم مقدمه
۵۷	یادداشت‌های
۶۱	منتخبی از متن اسناد حاج رحیم اتحادیه
	ضمائم:
۳۲۱	جداول
۳۴۳	تصاویر
۳۶۹	فهرست اعلام

مقدمه

تاریخ اقتصادی ایران در دوره قاجار نسبتاً ناشناخته است. مطالعاتی در باره تجارت بخصوص تجارت خارجی و نقش تجار انجام شده است، ولی مسائل مالی، ملکی، مالیاتی و بطور کل مکانیزم معاملات تجاری و صرافی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. تجارت و صرافی دو حرفه متفاوت بود ولی در عین حال مربوط بهم عمل می کردند. البته ممکن بود که تاجری به امور صرافی هم بپردازد یا صرافی در کنار حرفه خود به کار تجارت هم اشتغال ورزد، ولی در کل این دو حرفه متفاوت بودند.

صراف ها، هم نقش بانک و بورس را ایفا می کردند و هم قسمت مالی و داد و ستد تجار به وسیله صراف ها انجام می گرفت. به علاوه صراف ها پول قرض می دادند و در مقابل ربا می گرفتند، به خرید و فروش و احتکار انواع پول های خارجی که در ایران رایج بود می پرداختند یا می فروختند و ارسال پول از محلی به محل دیگر را نیز بر عهده داشتند. تجار نسبت به صراف ها در رده بالاتر اجتماعی قرار داشتند. حاجی علی اکبر نویسنده نامه ها شاکی است که مردم از صراف ها متنفرند.

دو مقاله در باره صرافی تحت عنوان "مسائل صرافی از خلال سطور نامه های یک صراف" و "مسائل صرافی و تجارت در آغاز قرن ۱۴ق" در مجموعه مقالات کتاب "اینجا طهران است" منتشر شد.

این دو مقاله بر اساس تعدادی نامه از حاجی علی اکبر یکی از صراف های

تبریز خطاب به برادرش حاجی لطف‌علی در تهران تدوین شد که سالهای ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ ق را در برمی‌گرفتند. چند سال بعد از انتشار این دو مقاله تعداد دیگری از همین نوع نامه‌ها مربوط به سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ یافت شد و تصمیم گرفته شد که کل نامه‌ها در یک مجموعه چاپ شوند، اما متأسفانه به دلیلی که مشخص نشد تعدادی از نامه‌های قبلی مفقود شده بود. نامه‌های جدید سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ را در برمی‌گیرند. بنابراین آنچه در دست داشتیم در این جا منتشر می‌گردد. تعداد کل این نامه‌ها ۷۴ عدد می‌باشند که ۴۰ نامه مربوط به سال ۱۳۱۲ و ۳۴ نامه مربوط به سال ۱۳۱۳ می‌باشند. در این مقدمه سعی شده است مطالب تکراری نباشند. بازخوانی، حروفچینی و همچنین خواندن سیاق نامه‌ها را آقای سعید روحی به عهده داشتند. در پایان مقدمه تعدادی جدول که نرخ ارز و بهره انواع پول‌ها را نشان می‌دهد اضافه شده است.

حاجی لطف‌علی و حاجی علی اکبر فرزندان حاجی محمدباقر امین‌الضرب، پسر حاجی لطف‌الله تبریزی بود. حاجی لطف‌الله و برادرش حاجی هاشم که صراف بودند به روسیه سفر کرده و با بانکداری جدید آشنا می‌شوند. حاجی محمدباقر پسر حاجی لطف‌الله برای آموختن شیوه‌های بانکداری مدتی در روسیه به سر می‌برد که در مراجعت با عده‌ای از صراف‌های تبریزی کارهای مقدماتی تشکیل یک بانک را انجام دادند ولی با مرگ حاجی لطف‌الله کار متوقف شد و حاجی هاشم هم از کار کناره گرفت. بطوری که خانم سهیلا ترابی نوشته‌اند حاجی محمدباقر پس از فوت عمویش دارالضرب تبریز را تأسیس کرد و به ضرب مسکوکات پرداخت و به محمدباقر امین‌الضرب تبریزی معروف شد. وی مجدداً به فکر تأسیس بانک افتاد و با عده‌ای از صراف‌ها شرکت اتحادیه را در ۱۳۰۵ تأسیس کردند. از بین سهامداران شرکت، حاجی علی کوزه‌کنانی از همه معتبرتر بود. حاجی لطف‌علی و پسرش رحیم به عنوان نمایندگان شرکت به تهران رفتند. در ۱۳۱۶ شراکت حاجی لطف‌علی با کوزه‌کنانی به هم خورد ولی حاجی لطف‌علی و رحیم در تهران ماندند و مجدداً شرکتی به همان نام تأسیس

کردند.^۱ رابطه حاجی لطف‌علی با تبریز و با شرکت از طریق برادرش حاجی علی‌اکبر انجام می‌گرفت و هر دو برادر صراف بودند ولی تجارت مختصری نیز انجام می‌دادند، بخصوص رحیم پسر حاجی لطف‌علی از عمو می‌خواست که اجناسی برای فروش بفرستد، مانند کاغذ جقارا (سیگار) دختر نشان یا فنالیه که احتمالاً فلانل بود یا دوتی که شاید منظور دبیت بود.

این دو برادر هفته‌ای چند بار از طریق نامه و گاه تلگراف با هم مکاتبه می‌کردند. نامه‌ها با چاپار ارسال می‌شد و تقریباً ۴ الی ۶ روز در راه بود، اجناس را با کاروان و به وسیله شتر می‌فرستادند. مطالب نامه‌ها همیشه مفهوم نیست. یک علت آن نحوه‌ای است که تجار و صراف‌ها با هم مکاتبه می‌کردند و اصطلاحات خاصی داشتند. همچنین حاجی علی‌اکبر شخص خیلی با سواد نبود و گاه منظور از آنچه می‌نویسد به درستی روشن نیست. مشکل دیگر کیفیت نامه‌هاست که در وضع نامطلوبی هستند و بعضی واژه‌ها به سختی خوانده می‌شود.

نامه‌ها از حاجی علی‌اکبر خطاب به حاجی لطف‌علی می‌باشند هرچند جواب‌های حاجی لطف‌علی را نمی‌دانیم اما حاجی علی‌اکبر در جواب برادر به بعضی سفارشات و یا سؤالات وی پاسخ می‌دهد که نوع مکاتبه آن دو را مشخص می‌کند. ولی گاه معنی بعضی واژه‌ها یا بعضی مسائل روشن نیست چنانچه در چند نامه اشاره به خرید بلیط شمندوفر (راه آهن) است ولی معلوم نیست بلیط را به چه منظوری می‌خواستند.

به مطالب سیاسی اصلاً اشاره نمی‌شود، روابط خانوادگی هم مختصر است. چنانچه وقتی رحیم پسر حاج لطف‌علی با دختر یکی از صرافان به نام اسکوئی ازدواج کرد، حاجی علی‌اکبر تبریک گفت و بیست نفر از تجار و صراف‌ها را به شام دعوت کرد و هدیه‌ای فرستاد و درباره آن نوشت که جهت رحیم آقا عید یانه

۱. ترابی فارسانی، سهیلا، تجار و مشروطیت و دولت مدرن، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴؛ اتحادیه، منصوره، "مسائل صرافانی از خلال سطور نامه‌های یک صراف"، اینجا طهران است، تهران، ۱۳۷۷، صص ۳۱۱، ۳۳۴.

۱ توپ قبا، جهت عروس، گردنبند طلا، ۲۰ عدد پنج‌هزاری و گل میان‌گردن بند فرستاده و اضافه می‌کند: «قبله‌گاه‌ها به جان حقیر گردنبند را به عروس التفات فرمایید قناعت نکنید، لامحاله حقیر هم با این جزئی دلخوش باشم». حاجی علی‌اکبر فقط گاه به مسائل جنبی می‌پرداخت که اهمیت دارد. مانند تاراج بازار تبریز، کمبود نان و گران شدن گندم و یا کمبود قران و وضع بازار که قبلاً توضیح داده شده است، ولی در کل نامه‌ها دربارهٔ امور مالی است.

رابطهٔ بین دو برادر صمیمی بود و هر دو به یکدیگر اعتماد کامل دارند. بطور کل حاجی لطف‌علی کارهای خود در تبریز را به حاجی علی‌اکبر سپرده بود. این دو برادر حساب مشترکی داشتند و هر معامله‌ای که یکی از طرفین انجام می‌داد توسط هر دو ثبت می‌شد و در پایان سال رسیدگی می‌کردند. در ۲ نامهٔ مفصل حساب را رسیدگی کردند که تا حدی میزان معاملات، طلب‌ها و بدهی‌های این دو برادر را بدست می‌دهد.

حاجی علی‌اکبر نسبت به برادر بزرگتر احترام بسیار قائل بود ولی گاه از او گله‌مند بود و درخواست خود را بارها تکرار می‌کرد که حاجی لطف‌علی انجام نمی‌داد و چنانچه بارها از او خواست که برای او هر روز مقداری برات علیه بخرد ولی ظاهراً حاجی لطف‌علی نخریده بود. به نظر می‌رسد که حاجی لطف‌علی تندخو بود یا از کارآمدی او مطمئن نبود چون علی‌اکبر می‌نویسد که کار او را انجام خواهد داد: «خواطر جمع باشید نگرانی ندارد». همچنین به نظر می‌رسد که حاجی لطف‌علی از برادر محتاط‌تر بود. یک بار حاجی علی‌اکبر به او نوشت: «قبله‌گاه‌ها الی حال در فروش اهمال نمی‌فرمودید، عوض سال گذشته شده بود، چه فایده که ترسیده‌اید». حاجی لطف‌علی از برادر ثروتمندتر بود و یک منشی داشت ولی حاجی علی‌اکبر منشی نداشت و جزء صراف‌های متوسط بود.

حاجی علی‌اکبر بسیاری از صراف‌های تبریزی را نام می‌برد و از معاملات آنها خبر می‌دهد. اما هیچ‌جا از کوزه‌کنانی که شریک شرکت اتحادیه بود نام نمی‌برد و همیشه از اتحادیه یا حاجی علی‌آقا می‌نویسد.

بعد از تعارفات معمول، حاجی علی‌اکبر اول از معاملات مشترکشان خبر

می‌داد و سپس از وضع معاملات دیگر تجّار و صرّاف‌ها و سپس معاملات شخصی خودش را می‌نوشت. در هر نامه مظنه‌جات و شرایط بازار پول را توضیح می‌داد و همانطور که در مقالات فوق اشاره شده است اطلاعات وی حاکی از آشنایی با بازار پول بود بطوری که صرّاف‌ها و تجّار در معاملات سر درگم بودند.

یکی از نکات جالب توجهی که در این نامه‌ها منعکس است اهمیت بازار تبریز است و نقش رقابتی بانک شاهی با صرّاف‌ها است که جلوی ترقّی بانک را می‌گرفتند. در این وقت بانک حضور سلطه‌ای بر بازار پول تبریز نداشت و به همان روش صراف‌ها عمل می‌کرد. بنابه نوشته جعفری جونز که تاریخچه بانک را نوشته است از سال ۱۳۱۷ بانک شاهی رونق گرفت و در امور مالی ایران نفوذ بسیار یافت. مدّت‌ها صرّاف‌ها سعی کردند دسته جمعی با بانک مقابله کنند ولی ظاهراً عده‌ای همکاری نکردند و به علت رقابت صرّاف‌ها بین خودشان بالاخره بانک که سعی داشت اسکناس را رواج دهد برنده شد.

نامه‌های حاجی علی اکبر مملو است از شکایت از بانک و عدم حمایت دولت، اسکناس در دست بانک بود. از این طریق می‌توانست فشار بر تجار و بخصوص صرّاف‌ها وارد آورد. بانک از طریق یک نفر به نام حاجی علی اکبر قونپانی (کمپانی) کار می‌کرد که بنابه گفته حاجی علی اکبر آدم بانک بود. در ۹ صفر ۱۳۱۳ نوشت: «هر چه قران در شهر بود همه را فاسطل و بانک جمع کرده‌اند و آنچه برات علیه می‌فروشنند می‌گویند اول قران‌ها را بدهید بعد تلگراف را نوشته می‌دهیم. البته یک علت این کار بانک جلوگیری از هجوم تجّار و صراف‌ها بود که تقاضای تبدیل اسکناس به قران کنند. در ۱۳۱۵ یک چنین اتفاقی افتاد ولی بدون شک هدف بانک بیش از این بود و با جمع کردن قران، صراف‌ها را که عملاً رقبای بانک بودند فلج می‌کرد. چنانچه حاجی علی اکبر تقریباً در همه نامه‌های خود اشاره به کمبود قران دارد. در ۲۰ صفر نوشت:

«قبله‌گاه‌ها بازار زیاده از حد بی پول است به صرافان از بی پولی خیلی بد می‌گذرد، بسکه صرافان بی پول‌اند. به هیچ تجّار برات نمی‌توانند بدهند. بدان

جهت به تجّاران هم خیلی بد می‌گذرد.

از جمله اطلاعاتی که مرتب در همه نامه‌های حاجی علی اکبر تکرار می‌شود گزارش مظنه‌جات تبریز است. چنانچه می‌نویسد: «مظنه عدسه ۹۳۱ و ۳۲، برات عدسه بابیجک ۱۸۲ و ۸۳، برات علیه تلگرافی ۴ تومان ۶۵۰۰ دینار خریدار ندارد. عین مجیدیه ۴ تومان ۵۸۰۰ الی ۵۹۰۰ دینار. اسکناس با قران ۱ تومان ۵۸۰۰ دینار. امپریال با قران ۴ تومان ۱۸۰۰ الی ۲۰۰۰ دینار. صرف قران جدید ۲۵۰ دینار کساد است. برات تهران تلگرافی هرگاه باشد ۲۰۰ دینار بالا».

همانطور که اشاره شد از جمله وظایف صراف‌ها علاوه بر ارسال برات خرید و فروش انواع پول‌های مختلف بود. استفاده صراف‌ها در این بود که نرخ‌ها تغییر نکند چرا که در سود آنها تأثیرگذار بود. طبعاً داد و ستد کند می‌شد و امکان داشت ضرر کنند. بانک کم کم عرصه را بر صراف‌ها تنگ کرد و چون بانک انحصار اسکناس را داشت برای تبدیل آن به قران صرف می‌گرفت که متغیر بود. ۱ تومان، ۷۱۰۰ دینار یعنی ۷/۹٪ قران جدید گرفته بود. چند روز بعد ۱ تومان، ۸۳۵۰ دینار یا ۸/۳ بود. یکی از علل گرانی قران جدید یا خروج آن از تبریز بود یا احتکار آن توسط صراف‌ها و بخصوص بانک قران‌ها را جمع می‌کرد تا صرف اسکناس ترقی کند کاری که صراف‌ها هم می‌کردند ولی به مرور این بانک بود که پیشی گرفت. هرچند حاجی علی اکبر از وضع بازار تبریز شاکی بود ولی به نظر می‌رسد عراق (اراک)، همدان، بروجرد و کرمان معامله داشت. عده‌ای هم اسلامبولی در تبریز بودند ولی ظاهراً وضع خوبی نداشتند.

از معاملات دیگر تجار و صراف‌ها هم اطلاع می‌دهد که گاه همکاری و رقابت می‌کردند.

از جمله مشکلات بازار پول وجود انواع پول‌های مختلف بود که قپه، قمیال، مجیدیه یا مجیدیه، علیه، عدسه، امپریال، لیسه. نوسان صرف پول یا تبدیل هر کدام بازار را دستخوش آشفتگی می‌کرد.

دولت سعی داشت که یک نرخ را رسمی کند که مقدور نبود. چون صراف‌ها و

تجار همیشه پی روی نمی کردند و رقابت نیز قابل کنترل نبود.

دیگر از مشکلات وجود قران جدید و قران کهنه در بازار بود. قران جدید کمیاب بود و به این دلیل صرف آن بالا بود. در ۱۳ رجب ۱۳۱۲ صرف قران ۱۷۵ دینار بود. یعنی ۱۷/۵٪ تبدیل هر نوع پول مبلغی صرف داشت، مثلاً صرف قران جدید بین ۲۵۰ الی ۵۰۰ دینار در نوسان بود. برات تفلیس زیاد نبود و بین ۱۸۰ الی ۱۶۴ دینار بود. برات تهران ۳۵۰ دینار الی ۱۰۰ دینار بود.

تبدیل امپریال با قران از ۲/۰٪ الی ۴/۰٪ در نوسان بود. برات عدسه با قران از ۱۸۸ الی ۱۶۳ دینار بود. تبدیل اسکناس با قران از ۱۷/۰٪ الی ۱۲/۰٪ بود. برات علیه تلگرافی ۶/۰٪ با بیجک ۴/۰٪ با قران جدید هم ۴/۰٪ و با قران تلگرافی ۵/۰٪، تبدیل مجیدیه با قران جدید از ۷/۰٪ الی ۴/۰٪ بود. مظنه عدسه زیاد نوسان نداشت و بین ۹۳۲ الی ۹۲۴ بود.

حاجی علی اکبر در همه نامه های خود از کسادى وضع بازار تبریز شاکی است. از آنچه او می نویسد ظاهراً وضع صراف های متوسط خوب نبود، ولی از کل نامه ها به نظر می رسد که از لحاظ مالی و اقتصادی بازار تبریز نسبتاً فعال بود. البته ما وسیله ای برای مقایسه با بازارهای دیگر مانند تهران و اصفهان نداریم و باید امیدوار بود که در آتیه اسناد و مدارکی به دست آید تا بتوان این نوع مسائل را حل کرد.